

نوع‌شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

(صفحات ۹ تا ۳۵)

عبدالرحمن افشاری^۱ * مجید توسلی رکن آبادی^۲ * سعید شریفی^۳

دریافت: ۱۸/۰۳/۹۷ پذیرش: ۳۰/۰۶/۹۷

چکیده

پژوهش حاضر باهدف نوع‌شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری کلیه متخصصان موضوعی بودند که از میان ۳۹۶ نفر به عنوان حجم نمونه به صورت در دسترس انتخاب شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ۴۰ گویه‌ای بر اساس مصاحبه با نخبگان بود. پایایی ابزار از طریق آلفای کرونباخ بالاتر از ۰٫۷ انجام گرفت. روایی محتوایی از طریق ضریب CVR تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش و تعمیم نتایج از روش تحلیل خوشه‌ای با ضابطه اطلاعات آکائیکه (AIC) به عنوان معیار ارزیابی خوشه‌بندی استفاده شد. نتایج نشان داد با سیزده مرحله چرخش سه خوشه (۱۴۱ نفره)، (۱۹۱ نفره) و (۶۴ نفره) شامل ۷ بعد عدم اجماع و انسجام سیاسی، فقدان مدیریت یکپارچه، هویت سیاسی، ضعف عملکرد سیاسی، نزاع سیاسی رقیب، عدم حمایت سیاسی و نگرش سیاسی متمایز شدند. گروه اول عوامل هویت سیاسی، گروه دوم ضعف عملکرد سیاسی و گروه سوم عدم حمایت سیاسی را مهم‌ترین مانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران دانستند. در گروه هویت طلبان مؤلفه تقویت مؤلفه‌های هویت غربی در سیاست‌گذاری، در گروه عملکرد طلبان، سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پائین و در گروه حمایت‌طلبان تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه مهم‌ترین مانع در تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی معرفی شد.

واژگان کلیدی: سیاست فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، دولت، اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش سیاست‌گذاری عمومی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)؛ afshari1362@gmail.com
۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)؛ tavasoli@gmail.com
۳. استادیار مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)؛ saeed.sharifi2003@gmail.com

مقدمه

تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی تابع عوامل متعددی است که برخی از آن‌ها می‌توانند به عنوان مانعی برای پیاده‌سازی سیاست در نظر گرفته شوند، اما پیاده‌سازی سیاست به عنوان یک مرحله مهم سیاست‌گذاری همیشه موفق نبوده است. برای تحقق چنین موفقیتی پیش از پیاده‌سازی، توجه به سیاست‌های همکاری، به‌ویژه در بین احزاب و گروه‌های سیاسی ضروری است. در واقع یکی از موانع فرا روی تحقق اهداف سیاسی عدم توافق بر روی اهداف است. از این رو به‌منظور کاهش معضلات پیاده‌سازی و فائق آمدن بر پارادوکس‌هایی برای احزاب درگیر در سیاست‌های فرهنگی توجه به انتظارات از نقش‌ها و تسهیم قدرت تصمیم‌گیری بین بازیگران به‌طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد (Toens & Landwehr, 2009). در واقع تحقق اهداف سیاسی بیش از هر چیز تحت تأثیر خود سیاست است؛ بر این اساس توجه به موانع سیاسی تحقق اهداف سیاستی به عنوان یک مسئله پژوهشی قابل‌تأمل است. در تحقیقات انجام‌شده در رابطه با تحقق اهداف سیاستی به‌ویژه در مورد شکست‌ها، برای درک دقیق‌تر مکانیسم‌ها و پویایی‌ها، شواهد نشان می‌دهد زمینه‌های فزاینده مشارکتی به‌ویژه بین سیاستمداران موردنیاز است (McConnell, 2015). از این رو سیاستمداران برای پیشبرد اهداف سیاست بخش عمومی، هماهنگی و همکاری با احزاب را باعث بهبود سیاست عمومی و ارائه خدمات می‌دانند (Christensen, Fimreite & Læg Reid, 2014)؛ اما پیاده‌سازی سیاست‌های همکاری، پیچیده است و حتی ادعا می‌شود که ممکن است بین احزاب و تقاضای حکومت برای تحقق این اهداف ناسازگاری به وجود آید (Bannink & Ossewaarde, 2012). در حوزه سیاست‌های فرهنگی این پیچیدگی تا حدی بیشتر است برای مثال، در سیاست‌های صنایع خلاق (Taylor, 2015; Lee, Hesmondhalgh, Oakley & Nisbett, 2014) پیچیدگی‌های لازم برای اجرای سیاست‌ها در طول زمان، بیشتر می‌شود.

نقش انکارناپذیر دولت‌ها در برنامه‌ریزی و هدایت فرهنگ اگرچه امری پر مناقشه، اما یک ضرورت به‌شمار می‌رود. ضرورتی که مجادلات متعددی را در قالب میزان و نحوه مداخله دولت در عرصه فرهنگ به‌گفتمان علوم سیاسی و فرهنگی

رهنمون شده است. به شکل رسمی نگاه به فرهنگ به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی توسعه، امکان مدیریت فرهنگی برای تغییر در عناصر آن و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده بستر مناسبی برای شکل‌گیری مفهوم سیاست فرهنگی را ایجاد کرده است. سیاست‌گذاری فرهنگی در این معنا هدف عام تأثیرگذاری در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی را دنبال می‌کند و از این رهگذر توجیه مناسبی برای حضور دولت در این عرصه به دست داده است. دستیابی به یک سیاست فرهنگی موفق علاوه بر تدوین سیاست، مستلزم اثربخشی آن است. در واقع اینکه تا چه اندازه اهداف سیاست‌های فرهنگی تحقق می‌یابد می‌تواند امکانی برای ارزیابی و اثربخشی سیاست‌های فرهنگی در کشور باشد. اگرچه به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری فرهنگی^۱ هدف عام تأثیرگذاری در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی را دنبال می‌کند (Miller, 2010)؛ اما چالش‌های متعددی پیش روی چنین تصویری وجود دارد. وجود سیاست‌های فرهنگ جهانی (Grodach & Silver, 2012) و تنوع فرهنگی فزاینده ناشی از مهاجرت (Bennett, 2001; Iwabuchi, 2018) و شهروندی فرهنگی (Zapata, 2016) و ضرورت میل به وحدت در کثرت بر اساس رهنمودهای یونسکو به‌ویژه برای جوامع تکثرگرا (Pantel, 2005; Garner, 2016) و اهمیت یافتن موضوعات جدیدی مثل دیپلماسی فرهنگی در عرصه سیاسی (Ang, Isar & Mar, 2015) معنای سیاست فرهنگی سنتی را با چالش اعتبار مواجه کرده است.

بخش زیادی از مسائل فرهنگی در ایران به دلیل مداخله و نفوذ دولت در اجرای آن تحت تأثیر اراده سیاسی است. همین امر امکان نفوذ سیاست را به عنوان یک متغیر مداخله‌گر در تحقق اهداف سیاست فرهنگی بیش از مسائل دیگر خواهد کرد. از این رو درک موانع سیاسی سیاست فرهنگی بیش از سایر عوامل می‌تواند برای تحقق اهداف سیاست‌گذاری مفید باشد.

در ایران پیاده‌سازی سیاست‌های فرهنگی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. بخش قابل توجهی از این چالش‌ها در طول تاریخ سیاست فرهنگی از دوره پهلوی اول تاکنون در ایران وجود داشته‌اند و ریشه تاریخی دارند. ناهماهنگی و ناسازگاری میان

1. Making of Cultural Policy

مراکز سیاست‌گذار فرهنگی، عدم تدوین شاخص‌های قابل رصد، برخورد شعاری با سیاست‌های فرهنگی، عدم تعیین مسئولیت دستگاه‌های فرهنگی، ضعف در پویایی و روزآمدی سیاست‌های فرهنگی متناسب با تغییرات محیطی و مقتضیات زمان، فقدان تفاهم و دیدگاه مشترک مجریان، کم‌توجهی به نهادهای مردمی، عدم اولویت‌بندی سیاست‌ها، ضعف در نظارت مؤثر و کم‌توجهی به نظارت همگانی و خودکنترلی، تناقض در سیاست‌های اعمالی، ابهام در ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی با سایر سیاست‌ها به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱).

شواهد پژوهشی در ایران نشان می‌دهد رابطه دوسویه فرهنگ و سیاست‌گذاری، ظرفیت بالقوه مؤثر و فراوانی در ایجاد تحولات فرهنگی و مدیریتی دارد که بخش بسیار کوچکی از آن به فعلیت رسیده است (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱؛ صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷؛ نقش، ۱۳۹۳). از این‌رو سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران همواره با چالش‌های زیادی مواجه بوده است. دقت در موارد یادشده نشان می‌دهد بیشتر موارد ذکرشده یا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به حوزه سیاسی مرتبط می‌شوند؛ نهاد سیاست به‌منظور هدایت فرهنگ از طریق سیاست‌گذاری تلاش می‌کند، با این‌وجود از حوزه قلمرو خود موانعی برای تحقق آن‌ها ایجاد می‌شود. موضوعی که در پژوهش‌های گذشته مورد توجه قرار نگرفت است. شناسایی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان یک مسئله می‌تواند از این حیث که درک موانع درونی اولویت مهم‌تری نسبت به خطوط بیرونی دارند مهم به نظر برسد. علاوه بر این که موانع سیاسی به دلیل درجه نفوذ و گستردگی سیاست در حوزه فرهنگ اهمیت دارد. مضاف بر این به دلیل کثرت مطالبات سیاستمداران که نگرش‌های مختلفی به فرهنگ دارند؛ اهمیت موانع سیاست فرهنگی نیز متفاوت خواهد بود. از این‌رو سؤال اصلی پژوهش این است که موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ همچنین موانع فرهنگی به نسبت نگرش‌های مختلف کدام است؟

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. ادبیات تجربی

حسینی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان آسیب‌شناسی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد سیاست فرهنگی به‌منظور تداوم و موفقیت انقلاب در سه حوزه مطالعات نظری، آسیب‌های اداری و اجرایی با چالش مواجه است. نقش (۱۳۹۳) در همین راستا در پژوهش خود برداشت متفاوت برنامه ریزان از فرهنگ و برنامه‌ریزی فرهنگی، عدم توجه به خصوصیات فرهنگ، عدم توجه به نیازهای فرهنگی را به عنوان موانع سیاست‌گذاری فرهنگی داشته است.

شریفی و فاضلی (۱۳۹۱) نشان می‌دهند ناهماهنگی و ناسازگاری میان مراکز سیاست‌گذار فرهنگی، عدم تدوین شاخص‌های قابل رصد، برخورد شعاری با سیاست‌های فرهنگی، عدم تعیین مسئولیت دستگاه‌های فرهنگی، ضعف در پویایی و روزآمدی سیاست‌های فرهنگی متناسب با تغییرات محیطی و مقتضیات زمان، فقدان تفاهم و دیدگاه مشترک مجریان، کم‌توجهی به نهادهای مردمی، عدم اولویت‌بندی سیاست‌ها، ضعف در نظارت مؤثر و کم‌توجهی به نظارت همگانی و خودکنترلی، تناقض در سیاست‌های اعمالی، ابهام در ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی با سایر سیاست‌ها به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.

قاسمی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان رویکردی پسا‌ساختارگرا به سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران در طول حیات خود بنا به رویکرد پسا‌ساختارگرائی، سیاست فرهنگی را به شکلی ناقص دنبال کرده است. صالحی امیری و کاوسی (۱۳۸۷) وجود مراکز متعدد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، عدم تعیین اولویت‌ها و سلسله‌مراتب برنامه‌های فرهنگی، عدم ارتباط برنامه‌ریزی فرهنگی با برنامه‌ریزی‌های سایر حوزه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، عدم یکپارچگی در خصوص رسالت‌ها و دیدمان‌ها و فقدان نظام دقیق ارزیابی عملکرد و تعیین شاخص‌ها و استانداردها در حوزه فرهنگ انفعالی بودن، سطحی‌نگری، عوام‌زدگی، مقطعی بودن، گذشته‌نگری، سیاست‌زدگی رویکرد ابزار انگارانه به فرهنگ را مطرح کرده‌اند.

پژوهش‌های پیشین به موانع سیاست‌گذاری فرهنگی از حیث سیاسی توجه نداشته‌اند و به‌طور کلی تلاش کرده‌اند نشان دهند سیاست‌های فرهنگی در ایران با چه موانعی روبه‌رو است. این دید کلی نمی‌تواند امکان برنامه‌ریزی برای اصلاح و بازنگری آن‌ها را موجب شود. مضاف بر این پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً مبتنی بر ادبیات نظری و برگرفته از مطالعات کتابخانه‌ای هستند. این در حالی است که پژوهش‌های میدانی اطلاعات دقیق‌تر و برخاسته از واقعیت‌های عملی را بازگو خواهند کرد، از این‌رو برای درک بهتر موانع قشربندی این موانع یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

۱-۲. ادبیات نظری

اگرچه سیاست فرهنگی معمولاً به عنوان یک عنصر مثبت برای توسعه اجتماعی و اقتصادی ارزیابی می‌شود و انتقاد از آن به‌طور کلی محدود به اجرای ضعیف و بحث در مورد اثرات اجتماعی آن خواهد بود اما گاهی اوقات به عنوان ابزاری برای توسعه نامتوازن، یا به عنوان وسیله‌ای برای تقویت فساد و سلطه‌گرا بودن حوزه سیاسی، تحلیل می‌شود. این چیزی است که برخی آن را «سمت تاریک» سیاست فرهنگی می‌نامند (Rius-Ulldemolins, Flor Moreno, & Hernández i Martí, 2019). علاوه بر این عدم تمرکز تصمیم‌گیری در اجرای سیاست‌ها برای بهبود مشروعیت و اثربخشی می‌تواند نتایج منفی بالقوه و پارادوکس‌های حکومتی را ایجاد کند (Bannink & Ossewaarde, 2012).

فشارهای سیاسی یکی از موانع تحقق اهداف سیاست فرهنگی است. تحول سیاست فرهنگی روسیه از پایان دوران اتحاد جماهیر شوروی به دلیل خروج دولت از مسئولیت‌های فرهنگی در دهه لیبرالیزاسیون، قابل تأمل است. در این دوران رژیم سیاسی لیبرال به شدت تحت فشار قرار نگرفت و به تدریج جایگزین یک توافق جدید سیاست فرهنگی با جامعه مدنی شد. از این‌رو پس از بازگشت دولت به نقش غالب، حمایت از حوزه‌های سیاست اصلی فرهنگی را در دستور کار قرارداد (Jakobson, Rudnik & Toepler, 2018). علاوه بر این روندهای فناورانه، اجتماعی و سیاسی نقش اصلی مشارکت در جوامع غربی امروز را توضیح می‌دهند و پیامدهای فراوانی در تنظیم دوباره رفتارهای فرهنگی و استراتژی‌های مؤسسات فرهنگی دارند. توجه به اهداف سیاسی و نیز ارتباط آن با موقعیت‌های ذینفعان، در کنار همزیستی با تنوع فرهنگی سبب ایجاد نسخه‌های متمایز

از مشارکت می‌شود و آزادی مشارکت شهروندان فعال در زمینه هنر و فرهنگ در پی دارد (Bonet & Négrier, 2018).

نفوذ مهندسی اجتماعی یکی از چالش‌های سیاست‌های فرهنگی است، در مهندسی اجتماعی، سیاست‌های فرهنگی، اقدامات اصلاحات و پروژه‌های تحقیق مبتنی بر علم به جای استدلال‌های ایدئولوژیک حزبی توجیه می‌شود در دهه ۱۹۵۰ و همچنین در دهه ۱۹۷۰ این مهندسی به عنوان یک شخصیت پدرسالارانه در مبارزه علیه فرهنگ آسیب‌زا، مانند خشونت ویدیویی، به کار خود ادامه می‌دهد (Blomgren, 2019).

سیاست‌های فرهنگی می‌توانند در راستای حفظ میراث فرهنگی، سنتی یا همانند سیاست‌های مربوط به صنایع خلاق، مدرن و باهدف گرایش به سمت توسعه باشند (Tafel-Viia, Viia, Terk & Lassur, 2014). به هر شکل اختلاف بین این سیاست‌ها به عنوان یک مانع در تحقق اهداف سیاست فرهنگی خواهد بود. از سوی دیگر همواره بین سیاستمداران برای تحقق چنین فرضی توافق وجود ندارد و همین امر موانع متعددی را در مسیر سیاست‌گذاری فرهنگی ایجاد می‌کند. ریشه چنین اختلافی به موضع تعریف فرهنگ و نسبت سیاست با آن برمی‌گردد. فرهنگ یک مزیت عمومی است، دولت‌ها به دنبال آن‌اند که برنامه‌هایی برای ارتقای دسترسی بیشتر به این فرصت فراهم کنند (Zembylas, 2018). در این عرصه دو مشی نخبه‌گرایی و پوپولیسم فرهنگی را می‌توان از هم متمایز کرد؛ طرفداران موضع نخبه‌گرا، استدلال می‌کنند که سیاست‌گذاری فرهنگی باید بر کیفیت زیبایی‌شناختی به‌عنوان معیار تعیین‌کننده برای مزایای عمومی تأکید کند (Luke & Kersel, 2016). این دیدگاه به‌طور معمول از سازمان‌های بزرگ فرهنگی، هنرمندان خلاق در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر، به‌ویژه هنرهای زیبا، منتقدان فرهنگی و مخاطبان تحصیل کرده به‌خوبی حمایت می‌کند (Franken, 2016). درحالی‌که طرفداران پوپولیسم اغلب طرفداران هنرهای اقلیت، هنرهای قومی، یا فعالیت‌های فرهنگ پایین هستند (Mulcahy, 2017). تناقض‌های کلیدی برای سیاست‌گذاری فرهنگ ملی بین اهداف نخبگان در مقابل دسترسی سیاست‌گذاران به فرهنگ «به‌عنوان همه‌چیز» چالش‌هایی را در بین نقش‌های دولتی سازمان‌های فرهنگی به‌عنوان تسهیل‌کننده ایجاد می‌کند (Craig, McAllister & Davis, 2003; Pratt, 2005; Robinson, 2018).

از آنجا که هر دولتی خط‌مشی خاصی برای تحقق سیاست‌های فرهنگی دارد؛

می‌توان انتظار داشت در تحولات سیاسی و تغییر خط‌مشی‌های سیاسی کلان در یک کشور سیاست‌های فرهنگی با چالش تغییر مواجه می‌شوند. برای نمونه موفقیت دولت کارگری در بریتانیا، ظهور یک گفتمان آموزشی جدید را بر اساس ترکیبی متمایز از موضوعات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به وجود آورد. در پژوهشی پیرامون چرخش فرهنگی حزب کارگر جدید در بریتانیا تمام آئین‌نامه‌های خلاقیت، فرهنگ و آموزش و پرورش (NACCCE 1999) که توسط کمیته مشورتی ایجاد شده توسط وزارت آموزش و پرورش و کار^۱ (DfEE) و وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش^۲ (DCMS) و گروه کاری آموزش فیلم^۳ (FEWG 1999)، توسط موسسه فیلم بریتانیا بررسی و از گفتمان در حال ظهور در سیاست‌های فرهنگی بحث شده است و نشان می‌دهد که تا پیش‌ازین در سیاست‌های بریتانیا به چشم نمی‌خورد (Buckingham & Jones, 2001).

در واقع سیاست فرهنگی اگرچه که بخش کوچکی از بودجه‌های دولت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد اما بخش بزرگی از پیچیدگی سیاسی کشور را هدایت می‌کند. چراکه مجموعه بزرگ و ناهمگونی از افراد و سازمان‌های که در ایجاد، تولید، ارائه، توزیع، حفظ و آموزش در مورد میراث زیبایی‌شناسی و فعالیت‌های سرگرمی، محصولات و مصنوعات فرهنگی مشغول به کار هستند را شامل می‌شود (Wyszomirski & Chang, 2018). این سیاست‌ها شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها کتابخانه‌ها و موزه‌ها (هنرهای زیبا، علمی، تاریخی)، هنرهای تصویری (فیلم، نقاشی، مجسمه‌سازی، سفالگری، معماری)، هنرهای نمایشی (مجلسی و موسیقی مجموعه خوانندگان، موسیقی‌های محلی، اپرا و تئاترهای موزیکال و اجرای برنامه‌های سیرک و برنامه‌هایی از این دست و همچنین حوزه‌های علوم انسانی عمومی) رادیو و تلویزیون، نوشتن خلاق و شعر است (Yoshida, 2012).

کشورهای مختلف برای تدوین سیاست فرهنگی ملی خود راهبردهای متنوعی همچون راهبرد نخبه‌گرا^۴ که با رویکرد زیبایی‌شناسانه بر نقش هویت ملی از طریق حفظ و حراست میراث فرهنگی و احیای گذشته تاریخی در راستای تقویت غرور ملی

1. Department for Education and Employment
2. Department for Culture, Media and Sport
3. Film Education Working Group
4. Elite strategy

تأکید دارد (Mulcahy, 2006). راهبرد توسعه‌ای^۱ که با دغدغه پیوند بین فرهنگ و توسعه است که محورهایی چون همگانی کردن فرهنگ؛ پی‌ریزی مبانی فرهنگی برای سیاست‌های اقتصادی؛ توسعه متوازن بخش فرهنگ با سایر بخش‌ها و توجه به افزایش تولیدات فرهنگی را مدنظر داشته است. راهبرد کثرت‌گرا^۲ که در توسعه و محورهایی چون تکثر و تنوع فرهنگی؛ حقوق فرهنگی؛ تأکید بر فرد بجای جامعه؛ تأکید بر گروه‌های ویژه در معرض سلطه فرهنگی نظیر زنان و اقلیت‌های قومی و دینی و جهان‌گرایی متمرکز شده است. تفاوت این راهبردها در عمل چالش‌های زیادی بر سیاست‌گذاری فرهنگی ایجاد می‌کند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت روش پژوهش توصیفی^۳ و از آنجایی که مستلزم تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده، از طریق پرسشنامه و توزین متغیرها در جمعیت‌های کلانی است که امکان دسترسی به تمامی آن وجود ندارد، از نوع پیمایشی^۴ است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه متخصصان موضوعی در دانشگاه و سازمان‌های اجرایی مرتبط با فرهنگ بود و این متخصصان شامل نویسندگان و اساتید دانشگاه، کارشناسان ارشد سازمان‌های فرهنگی، مدیران کل و معاونین سازمان‌های فرهنگی مجری سیاست‌های فرهنگی که از موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی اطلاع دارند، بودند. از آنجا که بر اساس فرمول‌های نمونه‌گیری در بیشترین حالت در جامعه محدود ۳۸۴ نفر از جمعیت کافی است اما برای اطمینان از کفایت نمونه‌ها حجم نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. تعداد ۳۹۶ پرسشنامه پس از توضیح بازگشت داده شد و در تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه مبتنی بر داده‌های کیفی استخراج شده از مصاحبه استفاده شد. برای ارزیابی روایی محتوایی از ضریب نسبی روایی محتوا^۵ (CVR) استفاده شد؛ برای تعیین CVR از ۱۰ متخصص رشته‌های علوم انسانی، علوم سیاسی،

1. Development strategy
2. Pluralist strategy
3. Descriptive
4. Survey research
5. Ratio Content Validity (CVR)

نوع شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران.....

مدیریت فرهنگی و حقوق درخواست شد تا هر آیت‌م را بررسی کنند. تمام ضرایب توافق محاسبه شده بالاتر از ۰,۶۸ مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار روش‌های مختلفی وجود دارد. در این پژوهش به منظور تعیین پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول (۱) ضرایب پایایی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی

متغیرها	ضریب آلفا
عدم اجماع و انسجام سیاسی	۰,۸۶
فقدان مدیریت یکپارچه	۰,۸۳
هویت سیاسی	۰,۸۴
ضعف عملکرد سیاسی	۰,۸۷
نزاع سیاسی رقیب	۰,۸۹
عدم حمایت سیاسی	۰,۸۸
نگرش سیاسی	۰,۸۷

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش و تعمیم نتایج از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شد. تحلیل خوشه‌ای روشی برای گروه‌بندی افراد، اشیاء یا پدیده‌ها در گروه‌های مشخص بر اساس بیشترین شباهت درونی و بالاترین افتراق بیرونی است. کلانتری (۱۳۸۵) تحلیل خوشه‌ای را تکنیکی می‌داند برای گروه‌بندی، بطوری که در این گروه‌بندی موضوعات درون گروه شباهت زیادی با همدیگر داشته اما تفاوت قابل توجهی با گروه‌های دیگر دارند. در تحلیل خوشه‌ای معیار استاندارد اندازه‌گیری شباهت درون خوشه‌ای واریانس است (مجموع مربعات تفاوت هر عنصر از میانگین).

1. Coranbachs alpha coefficient

از طرف دیگر می‌توان از هر معیار مشابهت فاصله‌ای که برای ایجاد خوشه‌ها استفاده شده جهت مقایسه فاصله متوسط درون خوشه‌ای با فاصله متوسط بین خوشه‌ها نیز استفاده کرد (کیم و همکاران، ۲۰۰۸). برای تعیین این مطلب که کدام تعداد خوشه‌ها بهترین هستند هر دسته با استفاده از ضابطه بیزی شوارتز (BIC)^۱ یا ضابطه اطلاعات آکائیکه (AIC)^۲ به عنوان معیار ارزیابی خوشه‌بندی مقایسه می‌شود. ضابطه آکائیکه^۲ معیاری برای سنجش نیکویی برازش است. این معیار بر اساس مفهوم آنتروپی بنا شده است و نشان می‌دهد که استفاده از یک مدل آماری به چه میزان باعث از دست رفتن اطلاعات می‌شود (آکائیکه، ۱۹۷۴). جداول (۲) تا (۶) خوشه‌بندی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی را نشان می‌دهد.

جدول (۲) خوشه‌های اولیه موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی

ردیف	عوامل	خوشه اول میانگین	خوشه دوم میانگین	خوشه سوم میانگین
۱.	عدم اجماع و انسجام سیاسی	۳/۶۰	۳/۸۰	۱
۲.	فقدان مدیریت یکپارچه	۵/۲۵	۵/۷۵	۲
۳.	هویت سیاسی	۴/۶۳	۳/۸۸	۲/۶۳
۴.	ضعف عملکرد سیاسی	۴/۶۳	۳	۳
۵.	نزاع سیاسی رقیب	۵	۳	۳
۶.	عدم حمایت سیاسی	۴/۷۵	۱	۳
۷.	نگرش سیاسی	۴/۵۰	۱/۷۵	۲/۵۰

- Schwarz's Bayesian Criterion (BIC)
- The Akaike Information Criterion (AIC)
- Hirotsugu Akaike

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد نظرات پاسخگویان در خصوص موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان در سه خوشه متمایز هم‌بازشناسی کرد. با این‌وجود به‌منظور افزایش دقت و محاسبه فاصله اقلیدسی بین خوشه‌ها نسبت به مرکز خوشه‌ها چرخش داده می‌شوند. جدول (۳) نشان‌دهنده تقلیل میانگین فاصله خوشه‌ها تا مرکز می‌باشد.

جدول (۳) چرخش خوشه‌ها به‌منظور تغییر در مراکز خوشه‌ها

تغییر در مراکز خوشه‌ها			
ردیف	گونه اول	گونه دوم	گونه سوم
	فاصله	فاصله	فاصله
۱.	۱/۷۴۷	۲/۱۴۵	۱/۱۹۷
۲.	۰/۱۵۳	۰/۳۴۴	۰/۱۶۶
۳.	۰/۱۲۷	۰/۲۱۹	۰/۱۳۴
۴.	۰/۱۰۷	۰/۱۳۰	۰/۰۰۰
۵.	۰/۰۷۷	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰
۶.	۰/۰۲۵	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰
۷.	۰/۰۲۶	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰
۸.	۰/۰۳۲	۰/۰۶۲	۰/۱۱۷
۹.	۰/۰۵۹	۰/۱۰۹	۰/۱۴۱
۱۰.	۰/۱۱۸	۰/۰۹۰	۰/۰۰۰
۱۱.	۰/۰۶۲	۰/۰۴۴	۰/۰۰۰
۱۲.	۰/۰۳۵	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰
۱۳.	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد خوشه‌ها تا سیزده مرحله چرخش یافته تا فاصله به صفر رسیده است. حداقل فاصله بین مراکز اولیه ۵/۲۹۴ می‌باشد. جدول (۴)

خوشه‌بندی نهایی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی و همچنین تعداد اعضای هر خوشه را نشان می‌دهد.

جدول (۴) خوشه‌بندی نهایی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی

خوشه‌بندی نهایی			ابعاد
خوشه سوم (۶۴)	خوشه دوم (۱۹۱)	خوشه اول (۱۴۱ نفر)	
میانگین	میانگین	میانگین	
۲/۱۶	۳/۹۲	۴/۰۵	عدم اجماع و انسجام سیاسی
۳/۰۳	۴/۸۱	۵/۴۱	فقدان مدیریت یکپارچه
۲/۹۳	۳/۷۹	۴/۴۰	هویت سیاسی
۲/۹۳	۳/۶۹	۴/۳۳	ضعف عملکرد سیاسی
۲/۹۰	۳/۷۵	۴/۴۳	نزاع سیاسی رقیب
۲/۷۰	۲/۹۳	۴/۲۳	عدم حمایت سیاسی
۲/۲۳	۳/۳۴	۳/۷۸	نگرش سیاسی
۲/۶۹	۳/۶۵	۴/۲۵	موانع سیاسی

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد بزرگ‌ترین خوشه با ۱۹۱ عضو خوشه دوم و خوشه سوم با ۶۴ عضو کوچک‌ترین خوشه در بین این سه خوشه هستند. جدول (۵) فاصله بین خوشه‌ها را نسبت هم نشان می‌دهد.

نوع شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران.....

جدول (۵) فاصله بین خوشه‌ها نسبت هم

خوشه	اول	دوم	سوم
اول	-	۱/۸۶۸	۴/۵۱۸
دوم	۱/۸۶۸	-	۳/۰۹۹
سوم	۴/۵۱۸	۳/۰۹۹	-

همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد خوشه اول و سوم بیشترین فاصله را نسبت به هم دارند. به‌منظور سنجش تفاوت واریانس‌های خوشه‌ها ابعاد خوشه‌بندی شده تحلیل واریانس شده‌اند. جدول (۶) تحلیل واریانس یک‌طرفه در خصوص تفاوت میانگین‌ها را نشان می‌دهد.

جدول (۶) تحلیل واریانس یک‌طرفه در خصوص تفاوت میانگین‌ها

عوامل	مربع میانگین	درجه آزادی	F	سطح معناداری
۱. عدم اجماع و انسجام سیاسی	۸۸/۷۶۶	۲	۲۶۵/۲۸۰	۰/۰۰۰
۲. فقدان مدیریت یکپارچه	۱۲۵/۸۸۴	۲	۷۰۲۸۵۱۱	۰/۰۰۰
۳. هویت سیاسی	۴۸/۷۳۳	۲	۳۱۳/۸۶۱	۰/۰۰۰
۴. ضعف عملکرد سیاسی	۴۵/۲۸۸	۲	۲۷۴/۳۹۱	۰/۰۰۰
۵. نزاع سیاسی رقیب	۵۴/۰۶۸	۲	۳۱۸/۱۳۷	۰/۰۰۰
۶. عدم حمایت سیاسی	۸۴/۱۸۰	۲	۱۶۴/۵۵۷	۰/۰۰۰
۷. نگرش سیاسی	۵۲/۵۶۵	۲	۱۷۷/۱۳۲	۰/۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول (۶) واریانس بین ابعاد هفتگانه موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی معنادار است.

۳. یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به این سؤال که موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ جدول (۷) نشان می‌دهد مؤلفه‌های موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد. این عوامل پیش‌تر در قالب ۷ دسته عدم اجماع و انسجام سیاسی، فقدان مدیریت یکپارچه، هویت سیاسی، ضعف عملکرد سیاسی، نزاع سیاسی رقیب، عدم حمایت سیاسی و نگرش سیاسی از هم متمایز شدند.

جدول (۷) خوشه‌بندی مؤلفه‌های موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عوامل	گونه اول		گونه دوم		گونه سوم	
		میانگین	اهمیت	میانگین	اهمیت	میانگین	اهمیت
۱.	تمرکزگرایی در سیاست‌گذاری	۳/۹۸	۰/۵۰	۲/۰۶	۰/۵۰	۳/۸۱	۰/۵۰
۲.	تغییرات سیاست‌های فرهنگی به صورت سلیقه‌ای	۴/۲۳	۰/۶۴	۲/۱۹	۰/۶۴	۴/۰۶	۰/۶۴
۳.	ضعف فرهنگ گفت‌وگو و دیپلماسی حزبی	۴/۳۶	۰/۶۴	۲/۰۶	۰/۶۴	۳/۹۷	۰/۶۴
۴.	جناح‌گرایی و استبدادزدگی حاکم	۳/۹۱	۰/۴۹	۲/۲۵	۰/۴۹	۳/۸۶	۰/۴۹
۵.	تشکیک در نظریه فرهنگی جمهوری اسلامی	۴/۱۴	۰/۵۷	۲/۲۵	۰/۵۷	۳/۹۸	۰/۵۷
۶.	فقدان استراتژی کلان و تکنیک‌های مکمل	۴/۲۹	۰/۶۲	۲/۱۲	۰/۶۲	۴	۰/۶۲
۷.	ایجاد شکاف نسلی مدیران در آگاهی سیاسی	۴/۴۲	۰/۷۱	۲/۱۹	۰/۷۱	۴/۱۱	۰/۷۱
۸.	بی‌هنجاری فعالیت‌های سیاسی	۴/۷۰	۰/۹۰	۲/۱۹	۰/۹۰	۳/۵۵	۰/۹۰
۹.	تقویت روحیه فردگرایی در تصمیم‌گیری	۴/۸۵	۰/۶۴	۲/۸۱	۰/۶۴	۳/۸۹	۰/۶۴
۱۰.	فقدان نظریه فرهنگی مشخص در سیاست‌گذاری	۴/۹۴	۰/۹۷	۲/۸۱	۰/۹۷	۴	۰/۹۷

نوع شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران.....

۰/۶۶	۳/۹۷	۰/۶۶	۳/۱۲	۰/۶۶	۴/۸۳	اهمیت یافتن چهره‌ها و افراد به جای احزاب سنتی	۱۱
۱	۳/۹۱	۱	۲/۶۲	۱	۴/۸۲	افزایش گرایش به سکولاریزاسیون در بین مسئولان سیاسی	۱۲
۰/۸۴	۳/۹۵	۰/۸۴	۲/۸۸	۰/۸۴	۴/۹۱	تقویت مؤلفه‌های هویت غربی در سیاست‌گذاری	۱۳
۰/۹۷	۴	۰/۹۷	۲/۸۱	۰/۹۷	۴/۹۴	ایجاد مرجعیت سیاسی کاذب و تضعیف مرجعیت سنتی	۱۴
۰/۴۴	۳/۸۲	۰/۴۴	۳	۰/۴۴	۴/۷۱	ایجاد چالش مشروعیت یا مقبولیت نظام سیاسی	۱۵
۰/۵۱	۳/۷۹	۰/۵۱	۳	۰/۵۱	۴/۷۷	ناکامی سیاسی در بازتولید هویت مطلوب	۱۶
۰/۴۱	۳/۷۳	۰/۴۱	۳	۰/۴۱	۴/۶۵	تقویت نزاع سیاسی هویت اسلامی-ایران-غربی	۱۷
۰/۳۹	۳/۷۷	۰/۳۹	۳	۰/۳۹	۴/۶۵	چالش سیاسی پذیرش اقلیت ما	۱۸
۰/۴۷	۳/۸۹	۰/۴۷	۳/۱۲	۰/۴۷	۴/۷۱	سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پائین	۱۹
۰/۶۵	۳/۵۷	۰/۶۵	۲/۴۴	۰/۶۵	۴/۶۷	تکثر نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی موازی کار	۲۰
۰/۲۲	۳/۸۷	۰/۲۲	۳/۲۵	۰/۲۲	۴/۴۲	تنوع خط‌مشی‌های نهادهای سیاست‌گذار	۲۱
۰/۴۸	۳/۶۶	۰/۴۸	۳/۰۶	۰/۴۸	۴/۵۵	عدم توفیق سیاست‌گذاران در کنترل مفاسد اخلاقی و فرهنگی	۲۲
۰/۶۵	۳/۸۸	۰/۶۵	۲/۸۸	۰/۶۵	۴/۸۸	بی‌تقوایی سیاسی برخی مدیران اثر گذار	۲۳
۰/۴۴	۴/۱۲	۰/۴۴	۳/۲۵	۰/۴۴	۴/۸۳	عدم پایداری به اصل عدم‌مداخله سیاسی در محتوای اثر هنری	۲۴
۰/۵۰	۳/۵۷	۰/۵۰	۲/۶۲	۰/۵۰	۴/۵۲	ایجاد رقابت درونی سازمان‌ها برای تحقق سیاست‌های سازمانی	۲۵
۰/۶۰	۳/۷۶	۰/۶۰	۲/۸۱	۰/۶۰	۴/۷۰	فقدان مهارت‌های سیاسی مدیران فرهنگی	۲۶
۰/۵۶	۳/۸۴	۰/۵۶	۲/۸۱	۰/۵۶	۴/۷۰	فشار نهادهای سیاسی بین‌المللی	۲۷
۰/۵۶	۳/۸۶	۰/۵۶	۲/۸۳	۰/۵۶	۴/۷۴	گفتمان‌های رقیب موجود در منطقه (لیبرال دموکراسی)	۲۸

۰/۳۸	۳/۶۱	۰/۳۸	۲/۷۵	۰/۳۸	۴/۳۳	گفتمان اسلام و هابیت در دهه اخیر	۲۹
۰/۶۸	۳/۹۹	۰/۶۸	۳	۰/۶۸	۴/۷۹	گفتمان اسلام سیاسی تساهل‌گرا (ترکیه)	۳۰
۰/۶۸	۴/۰۲	۰/۶۸	۳	۰/۶۸	۴/۸۲	تقویت خرده‌گفتمان‌های رهایی‌بخش	۳۱
۰/۶۷	۴/۰۲	۰/۶۷	۳	۰/۶۷	۴/۸۲	مناقشه سیاسی در همکاری‌ها و تحقیقات بین‌المللی	۳۲
۰/۲۵	۳/۲۷	۰/۲۵	۲/۳۱	۰/۲۵	۴/۱۸	تضعیف رفتارهای مذهبی سیاسی (نماز جمعه، تظاهرات و...)	۳۳
۰/۱۶	۳/۱۱	۰/۱۶	۲/۶۹	۰/۱۶	۴/۲۴	نقد نظام‌های ایدئولوژیک	۳۴
۰/۲۳	۳/۴۶	۰/۲۳	۳/۰۶	۰/۲۳	۴/۵۸	تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه	۳۵
۰/۱۴	۳/۲۷	۰/۱۴	۲/۷۵	۰/۱۴	۴/۱۸	بی‌اعتمادی مردم به مسئولین و کارگزاران حکومتی	۳۶
۰/۲۱	۳/۵۸	۰/۲۱	۲/۶۹	۰/۲۱	۳/۹۷	منطق سیاسی سیاه و سفید	۳۷
۰/۲۷	۳/۶۵	۰/۲۷	۲/۴۴	۰/۲۷	۴/۱۲	ضعف نگرش تساهل و تسامح سیاسی	۳۸
۰/۴۳	۳/۲۶	۰/۴۳	۲	۰/۴۳	۳/۹۱	میل به فیلترینگ سیاسی	۳۹
۰/۴۴	۳/۲۱	۰/۴۴	۱/۸۱	۰/۴۴	۳/۷۴	غلبه نگرش مصلحت‌سیاسی به منفعت ملی	۴۰

همان‌طور که نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی چون تغییرات سیاست‌های فرهنگی به صورت سلیقه‌ای، ضعف فرهنگ گفت‌وگو و دیپلماسی حزبی، فقدان استراتژی کلان و تکنیک‌های مکمل، ایجاد شکاف نسلی مدیران در آگاهی سیاسی، بی‌هنجاری فعالیت‌های سیاسی، تقویت روحیه فردگرایی در تصمیم‌گیری، فقدان نظریه فرهنگی مشخص در سیاست‌گذاری، اهمیت یافتن چهره‌ها و افراد به جای احزاب سنتی، افزایش گرایش به سکولاریزاسیون در بین مسئولان سیاسی، تقویت مؤلفه‌های هویت غربی در سیاست‌گذاری، ایجاد مرجعیت سیاسی کاذب و تضعیف مرجعیت سنتی، تکثر نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی موازی کار، بی‌تقوایی سیاسی برخی مدیران اثر‌گذار، فقدان مهارت‌های سیاسی مدیران فرهنگی، فشار نهادهای سیاسی بین‌المللی، گفتمان‌های رقیب موجود در منطقه (لیبرال دموکراسی)، گفتمان اسلام سیاسی تساهل‌گرا (ترکیه)، تقویت خرده‌گفتمان‌های رهایی‌بخش و مناقشه سیاسی در همکاری‌ها و تحقیقات بین‌المللی در خوشه‌بندی دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌های موانع تحقق

نوع شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران.....

اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هستند. به‌منظور نام‌گذاری گونه‌های مختلف موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس بیشترین میزان اهمیت و تأثیر هر یک از ابعاد در هر خوشه گونه‌ها نام‌گذاری شدند. به‌منظور پاسخ به سؤال دوم که مهم‌ترین موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در هر گروه کدام است، جدول (۸) نشان‌دهنده نام‌گذاری گونه‌های مختلف موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

جدول (۸) نام‌گذاری گونه‌های مختلف موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عوامل	هویت طلب			عملکرد طلب			حمایت طلب		
		مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه	مؤلفه
۱.	عدم اجماع و انسجام سیاسی	۰/۱۲۴	۰/۱۶۶	۰/۰۰۰	۰/۱۲۵	۰/۱۲	۰/۰۰۰	۰/۱۲	۰/۲۰۹	۰/۰۰۰
۲.	فقدان مدیریت یکپارچه	۰/۱	۰/۰۵۹	۰/۰۰۰	۰/۱	۰/۰۳	۰/۰۰۰	۰/۲	۰	۰/۰۰۰
۳.	هویت سیاسی	۰/۱۹	۰/۱۸۴	۰/۰۰۰	۰/۱۹۹	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۱۵	۰/۰۴۱	۰/۰۰۰
۴.	ضعف عملکرد سیاسی	۰/۲۰۲	۰/۱۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۰۳	۰/۲۷۰	۰/۰۰۰	۰/۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
۵.	نزاع سیاسی رقیب	۰/۱۴۸	۰/۱۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۲	۰/۱۴۹	۰/۰۰۰	۰/۱	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰
۶.	عدم حمایت سیاسی	۰/۱۰۲	۰/۱۶۸	۰/۰۰۰	۰/۱۰۱	۰/۱۷	۰/۰۰۰	۰/۱	۰/۶۶	۰/۰۰۰
۷.	نگرش سیاسی	۰/۰۹۹	۰/۱۴۴	۰/۰۰۰	۰/۱۰۱	۰/۱۷۲	۰/۰۰۰	-	-	۰/۰۰۰

همان‌طور که جدول (۸) نشان می‌دهد گونه‌های مختلف موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس بیشترین میانگین را می‌توان هویت طلب (خوشه اول)، عملکرد طلب (خوشه دوم) و حمایت‌طلب (خوشه سوم) نامید. منظور از هویت طلبان گروهی هستند که مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در بعد هویت دانسته‌اند و به همین نحو، عملکرد طلبان معتقدند موانع عملکردی مهم‌ترین مانع هستند و حمایت‌طلبان گروهی هستند که مهم‌ترین مانع را در بعد عدم‌حمایت سیاسی می‌دانند. جدول (۹) مهم‌ترین مؤلفه‌های موانع در تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران هر خوشه را بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد.

جدول (۹) مهم‌ترین موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دسته‌های سه‌گانه

ردیف	دسته	مهم‌ترین مانع	دسته	مهم‌ترین مانع	دسته	مهم‌ترین مانع
۱.	طلبان فرهنگی	سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پائین	طلبان عملکردی	تقویت مؤلفه‌های هویت غربی در سیاست‌گذاری	طلبان سیاسی	تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه
۲.		تنوع خطمشی‌های نهادهای سیاست‌گذار		افزایش گرایش به سکولاریزاسیون در بین مسئولان سیاسی		بی‌اعتمادی مردم به مسئولین و کارگزاران حکومتی
۳.		عدم پابندی به اصل عدم‌مداخله سیاسی در محتوای اثر هنری		اهمیت یافتن چهره‌ها و افراد به‌جای احزاب سنتی		عدم توفیق سیاست‌گذاران در کنترل مفاسد اخلاقی و فرهنگی
۴.		ایجاد شکاف نسلی مدیران در آگاهی سیاسی		ایجاد مرجعیت سیاسی کاذب و تضعیف مرجعیت سنتی		تقویت نزاع سیاسی هویت اسلامی-ایران-غربی
۵.		تغییرات سیاست‌های فرهنگی به صورت سلیقه‌ای		تقویت نزاع سیاسی هویت اسلامی-ایران-غربی		ایجاد چالش مشروعیت یا مقبولیت نظام سیاسی
۶.		تشکیک در نظریه فرهنگی جمهوری اسلامی		سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پائین		سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پائین
۷.		فقدان استراتژی کلان و تکنیک‌های مکمل		تکثر نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی موازی کار		تنوع خطمشی‌های نهادهای سیاست‌گذار

نوع شناسی چالش‌های تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران.....

ناکامی سیاسی در بازتولید هویت مطلوب	گفتمان اسلام سیاسی تساهل‌گرا (ترکیه)	تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه	۸.
عدم پابندی به اصل عدم‌مداخله سیاسی در محتوای اثر هنری	تقویت خرده‌گفتمان‌های رهایی‌بخش	فشار نهادهای سیاسی بین‌المللی	۹.
اهمیت یافتن چهره‌ها و افراد به‌جای احزاب سنتی	مناقشه سیاسی در همکاری‌ها و تحقیقات بین‌المللی	نقد نظام‌های ایدئولوژیک	۱۰.

همان‌طور که اطلاعات جدول (۹) نشان می‌دهد در بین هویت‌طلبان، اهمیت یافتن چهره‌ها و افراد به‌جای احزاب سنتی، افزایش گرایش به سکولاریزاسیون در بین مسئولان سیاسی و تقویت مؤلفه‌های هویت غربی در سیاست‌گذاری از مؤلفه‌های مهم تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین عملکرد طلبان معتقدند تنوع خط‌مشی‌های نهادهای سیاست‌گذار، سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پائین و عدم پابندی به اصل عدم‌مداخله سیاسی در محتوای اثر هنری از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجادکننده مانع در تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی است. گروه حمایت‌طلبان تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه، بی‌اعتمادی مردم به مسئولین و کارگزاران حکومتی و عدم توفیق سیاست‌گذاران در کنترل مفاسد اخلاقی و فرهنگی را به عنوان مهم‌ترین موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.

۴. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد موانع تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه دسته هویتی، حمایتی و عملکردی متمایز کرد. در دسته حمایتی تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه و بی‌اعتمادی مردم به مسئولین و کارگزاران حکومتی و همچنین عدم توفیق سیاست‌گذاران در کنترل مفاسد اخلاقی و فرهنگی دارای اهمیت بیشتری بودند.

بر اساس نتایج این بخش از پژوهش تمایل به مقاومت از طریق مناسک در بین جامعه دارای میانگین بالاتری است. در واقع اهمیت این عوامل از حیث حمایت اجتماعی می‌تواند موانع تحقق اهداف سیاست‌های فرهنگی شود. مقاومت از طریق مناسک

اصطلاحی به معنای مصرف فرهنگی متفاوت از اراده قدرت سیاسی است. زمانی که سیاست‌گذار فرهنگی اهداف خاصی را در چارچوب سیاست‌های خود در نظر می‌گیرد و مورد حمایت اجتماعی نیست، جامعه تلاش می‌کند مخالف خود را از طریق رفتارهای سیاسی نمایشی و نمایشی سیاسی نشان دهد. در مورد اول با حمایت‌های سیاسی از جریان‌های رقیب، سیاست‌های فرهنگی حاکم به نحوی که از جریان سازی سیاسی و تبلیغاتی آن آگاه است همسو می‌شود و در مورد دوم تلاش می‌کند از طریق تمایل به نشانه‌ها و نمادهای سیاسی رقیب و دیگری‌های قدرت حاکم اعتراض خود را نشان دهد. بی‌شک در تبیین و شناسایی نقش فرهنگ در این موقعیت، عطف توجه به نظریه فرهنگی بسیار راه گشاست. فراروی فرهنگ از مرز انسان‌شناسانه که طی آن وجوه افتراق و اشتراک انسانی مطالعه می‌شود، سبب تحول مرزهای جغرافیایی و جمعی به مرزهای درهم‌تنیده و متکثر فرهنگی در سطح فرد خواهد شد. در نظرگاهی دیگر، فرهنگ به مثابه امری نخبه‌گرایانه و خاص با خاصیت استعلایی به ابزاری که سرمایه‌داری متأخر در بازتولید نظم اجتماعی متضمن حفظ وضع موجود طبقاتی از آن بهره می‌جست، محدود می‌شود. استمرار این تفکر به شیوه‌ای دیگر فرهنگ را در راهبرد مصرف فرهنگی و تولید معنا در مقاومتی به سبک مناسک نیز قابل تأمل نمود. فرهنگی که در رویکردهای روان‌شناسانه ماهیتی در تقابل با طبیعت دیده می‌شود در رویکردهای معطوف به قدرت به مثابه غایتی استکمالی، در قالب «حکومتیت» وجه‌های مهندسی گونه و تجویزی یافت؛ تقریری که فرهنگ را از آماج چشم‌انداز اجتماعی به ابزار پیشران و پایشگر اجتماع تحویل می‌گردد.

در بعد عملکردی سیاست‌گذاری فرهنگی از بالا به پایین، تنوع خط‌مشی‌های نهادهای سیاست‌گذار و عدم پایداری به اصل عدم مداخله سیاسی در محتوای اثر هنری دارای اهمیت بیشتری بودند. این مسئله به واسطه کارکرد مشروعیت بخش سیاست فرهنگی برای نهاد حاکمیت است.

در بسیاری از موارد سیاستمداران مایل‌اند به دلایلی چون مهندسی و مدیریت فرهنگی جامعه را به سمت مصرف فرهنگی خاصی سوق دهند در واقع در این حالت سرمایه‌های فرهنگی تابعی از سیاست فرهنگی خواهد شد. شواهد زیادی در این زمینه وجود دارد که سیاستمداران با زمینه‌های روشنفکری در سیاست فرهنگی تلاش

می‌کنند مصارف فرهنگی طبقه بالای اقتصادی را حتی برخلاف گرایش‌های واقعی در جامعه حاکم کنند. در حالی که سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه نابرابری‌های اجتماعی تا حد زیادی به مصرف فرهنگی معطوف است؛ شواهد فرانسه دهه ۱۹۶۰ از این واقعیت حکایت دارد که افراد برخلاف سیاست‌گذاری فرهنگی مصارف فرهنگی را بر اساس مقاومت در برابر نابرابری‌های اجتماعی انتخاب می‌کردند (Dubois, 2011). دقیقاً در همین نقطه تنش بین سیاست‌های فرهنگی عام و خاص یا همان نخبه‌گرایی و پوپولیسم ظهور می‌کند. این موضوع کلیشه‌های متضاد سیاست فرهنگی مستقل و سیاست فرهنگی عام را در مقابل هم قرار می‌دهد. رویکرد گسترده‌ای که در سیاست فرهنگی عام مطالبه می‌شود ضرورتاً حوزه مداخلاتی دولت را به عرصه‌های خصوصی تسری می‌دهد. تمرکز مداخلات دولت به منظور مدیریت پدیده‌های فرهنگی از طریق سیاست‌گذاری فرهنگی، چالش پایداری روش‌های سنتی فرهنگی محلی و پدیده‌های ظهور یافته جهانی را خواهند یافت، از این رو در چالش جهان محلی شدن مواجه خواهد شد (Hebert & Rykowski, 2018).

حمایت‌طلبان گرایش زیادی به فضای رفاه و مشروعیت از سوی جامعه از خود نشان می‌دهند؛ زندگی روزمره عرصه موافقت و مقاومت و تولید فرهنگ است. مقاومتی که در نفس زندگی روزمره وجود دارد و در متن کردارهای عادی زندگی قابل مشاهده است. این نوع مقاومت آشکار نیست و نیازمند تفسیری از کردارهای فرهنگی آدیان است؛ از این رو عرصه مصرف به مثابه میدان جنگ چریکی خواهد بود. به این ترتیب امر روزمره مانعی را در برابر اشکال نظام‌مند حکومت و سلطه پدید می‌آورد (Fiske, 1983; de Certeau, 2006). این مقاومت را می‌توان «تاکتیک» و «استراتژی» که برخاسته از نوعی مناسبات قدرت بین مردم و قدرت دانست.

در طرف دیگر عملکرد طلبان گرایش بیشتری به دموکراتیک کردن فرهنگ دارند. سیاست‌گذاری فرهنگی دموکراتیک باید اهداف خود را به گونه‌ای بیان کند که نشان دهد که چگونه منافع عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اهداف اغلب به معنای ایجاد دموکراسی فرهنگی یا دموکراتیزه کردن فرهنگ است (Duelund, 2001). دموکراتیزه کردن فرهنگ یک رویکرد از پایین به بالا است که اشکال خاص برنامه‌نویسی فرهنگی را اعلام می‌کند که به عنوان یک خیر عمومی شناخته می‌شود. واضح است که چنین هدفی

به انتقاد از آنچه نخبه‌گرایی فرهنگی نامیده می‌شود، روی می‌آورد. درحالی‌که در رویکرد مقابل به‌طور خلاصه، تصور می‌شود که نیازهای فرهنگی تمام اعضای جامعه یکسان است (Hadley, 2018).

درحالی‌که هویت طلبان‌گرایی به ایجاد نوعی ملی‌گرایی و توجه به جنبه‌های هویتی در سیاست‌های فرهنگی از خود نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد دولت‌ها برای دستیابی به مشروعیت نیازمند ساخت هویتی پیرامون عناصر توجیه‌کننده قدرت سیاسی خود هستند. عناصری که از منابعی همچون دین و مذهب، تاریخ و ملیت منبعث می‌شوند و می‌توان آن‌ها را به‌عنوان میراث فرهنگی بازشناسی کرد.

دولت‌ها علیرغم موانع مهم سیاست‌گذاری همچنان در تلاش‌اند تا باهدف ایجاد توسعه فرهنگی سازوکار استمرار و مشروعیت سیاسی خود را حفظ نموده و هویت فرهنگی اعضای جامعه را پیرامون میراث فرهنگی که با سازه‌های بنیادین و ایدئولوژیک سیاسی قرابت بیشتری دارد تقویت نمایند. چراکه عدم اطمینان محیطی و گسترش روزافزون تعدد و تنوع عناصر و مصادیق فرهنگ، سیاست‌گذاری‌های معطوف به آینده را به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل کرده است. در این میان اما مزیت رقابتی در سیاست‌گذاری فرهنگی برای دولت‌هایی است که با مطالعات فراتر از زمان خود در تلاش‌اند آینده محتمل را پیش‌بینی و بر پایه آن سیاست‌گذاری نمایند. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیشتری دارد تلاش برای معماری آینده است.

منابع

- حسینی، سیدحسین (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
- شریفی، سیدعلیرضا، فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها)، مجلس و راهبرد، دوره ۱۹، شماره ۶۹، ۵۵-۹۰.
- صالحی امیری، سیدرضا، کاووسی، اسماعیل (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر مراحل اجرایی برنامه‌ریزی جامع فرهنگی. برنامه ریزی فرهنگی. پژوهشنامه ۲۸. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۳). بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قاسمی، حسن (۱۳۸۸). رویکردی پساساختارگرا به سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم - تهران.
- نقش، امیررضا (۱۳۹۴). طراحی الگوی ارزیابی و انتخاب روش‌های آینده‌نگاری در چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی، رساله دکتری تخصصی در رشته آینده‌پژوهی، دانشگاه تهران.
- Ahearne, J (2004). *Between cultural theory and policy: the cultural policy thinking of Pierre Bourdieu, Michel de Certeau and Régis Debray*. Coventry: Centre for Cultural Policy Studies, University of Warwick.
- Ang, I., Isar, Y. R & Mar, P (2015). Cultural diplomacy: beyond the national interest?. *International Journal of Cultural Policy*, 21(4), 365-381.
- Bannink, D & Ossewaarde, R (2012). Decentralization: New modes of governance and administrative responsibility. *Administration & society*, 44(5), 595-624.
- Bazyar, A & Mohammadi, A. S (2018). An investigation into cultural policymaking of the Islamic Republic of Iran (Foundations, patterns, model). *The Islamic college university journal*, (45), 45-61.
- Belfiore, E & Bennett, O (2010). Beyond the "Toolkit Approach": arts impact evaluation research and the realities of cultural policy-making. *Journal for cultural research*, 14(2), 121-142.
- Bell, D & Oakley, K (2015). *Cultural policy*. London: Routledge.
- Bennett, T. (2001). *Differing diversities: Transversal study on the*

theme of cultural policy and cultural diversity. Council of Europe.

Blomgren, R (2019). Social engineering and cultural policy—theoretical and empirical reflexions from Swedish cultural policy in a historical perspective. *International Journal of Cultural Policy*, 25(3), 322-336.

Bonet, L & Négrier, E (2018). The participative turn in cultural policy: Paradigms, models, contexts. *Poetics*, 66, 64-73.

Buckingham, D & Jones, K (2001). New Labour's cultural turn: some tensions in contemporary educational and cultural policy. *Journal of education policy*, 16(1), 1-14.

Christensen, T., Fimreite, A. L & Læg Reid, P (2014). Joined-up government for welfare administration reform in Norway. *Public Organization Review*, 14(4), 439-456.

Colavitti, A. M., Usai, A & Serra, S (2018). Towards an Integrated Assessment of the Cultural Ecosystem Services in the Policy-Making for Urban Ecosystems: Lessons from the Spatial and Economic Planning for Landscape and Cultural Heritage in Tuscany and Apulia (IT). *Planning Practice & Research*, 1-33.

Craik, J., McAllister, L & Davis, G (2003). Paradoxes and contradictions in government approaches to contemporary cultural policy: an Australian perspective. *The International Journal of Cultural Policy*, 9(1), 17-33.

Cunningham, S (2002). Cultural studies from the viewpoint of cultural policy. In *Nation, Culture, Text* (pp. 133-146). Routledge.

De Certeau Michel. 2006. *Analysing Culture*, By Ben Highmore. Continuum.

Dubois, V (2011). Cultural capital theory vs. cultural policy beliefs: How Pierre Bourdieu could have become a cultural policy advisor and why he did not. *Poetics*, 39(6), 491-506.

Duelund, P (2001). Cultural policy in Denmark. *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 31(1), 34-56.

Fiske, J. 1989, *Understanding Popular Culture*, London: Routledge.

Franken, L (2016). Ronald Dworkin: Liberal Neutrality and Subsidizing Art. In *Liberal Neutrality and State Support for Religion* (pp. 45-52). Springer, Cham.

Garner, B (2016). *The politics of cultural development: Trade, cultural policy and the UNESCO convention on cultural diversity*. Routledge.

Ghilardi, L (2001). Cultural planning and cultural diversity. *Differing Diversities*, 123.

Grodach, C & Silver, D. (Eds.) (2012). *The politics of urban cultural*

policy: Global perspectives. Routledge.

Hadley, S. (2018). Towards cultural democracy: promoting cultural capabilities for everyone.

Hebert, D & Rykowski, M (Eds.). (2018). *Music Glocalization: Heritage and Innovation in a Digital Age*. Cambridge Scholars Publishing.

Iwabuchi, K (2018). Cultural policy, cross-border dialogue and cultural diversity. In *Routledge Handbook of Japanese Media*(pp. 365-374). Routledge.

Jakobson, L. I., Rudnik, B & Toepler, S (2018). From liberal to conservative: shifting cultural policy regimes in post-Soviet Russia. *International journal of cultural policy*, 24(3), 297-314.

King, I. W (2019). *Cultural Governance in a Global Context: An International Perspective on Art Organizations*. Springer.

Lee, D., Hesmondhalgh, D., Oakley, K & Nisbett, M (2014). Regional creative industries policy-making under New Labour. *Cultural Trends*, 23(4), 217-231.

Luke, C & Kersel, M (2013). *US cultural diplomacy and archaeology: soft power, hard heritage*. Routledge.

McConnell, A (2015). What is policy failure? A primer to help navigate the maze. *Public Policy and Administration*, 30(3-4), 221-242.

Miller, T (2010). Cultural policy. *The Encyclopedia of Literary and Cultural Theory*.

Mulcahy, K. V (2006). Cultural policy: Definitions and theoretical approaches. *The journal of arts management, law, and society*, 35(4), 319-330.

Mulcahy, K. V (2017). Hidden-Hand Culture: The American System of Cultural Patronage. In *Public Culture, Cultural Identity, Cultural Policy* (pp. 3-32). Palgrave Macmillan, New York.

Pantel, M (2005). Unity-in-diversity: cultural policy and EU legitimacy. In *Legitimacy and the European Union* (pp. 56-76). Routledge.

Pratt, A. C (2005). Cultural industries and public policy: An oxymoron?. *International journal of cultural policy*, 11(1), 31-44.

Rius-Ulldemolins, J., Flor Moreno, V., & Hernández i Martí, G. M. (2019). The dark side of cultural policy: economic and political instrumentalisation, white elephants, and corruption in Valencian cultural institutions. *International Journal of Cultural Policy*, 25(3), 282-297.

Roberge, J., Nantel, L & Rousseau, A (2017). Who Needs a Plan Anyway? Digital Cultural Policymaking as the Art of Navigating through

Uncertainties. *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 47(5), 300-312.

Robinson, H (2018). Cultural policy, local government and museums: an Australian perspective. *Local Government Studies*, 44(5), 719-738.

Swedlow, B (2014). Advancing Policy Theory with Cultural Theory: An Introduction to the Special Issue. *Policy Studies Journal*, 42(4), 465-483.

Tafel-Viia, K., Viia, A., Terk, E & Lassur, S (2014). Urban policies for the creative industries: A European comparison. *European Planning Studies*, 22(4), 796-815.

Taylor, C (2015). Between culture, policy and industry: Modalities of intermediation in the creative economy. *Regional Studies*, 49(3), 362-373.

Toens, K., & Landwehr, C (2009). The uncertain potential of policy-learning: a comparative assessment of three varieties. *Policy Studies*, 30(3), 347-363.

Wyszomirski, M. J (1995). Federal cultural support: Toward a new paradigm?. *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 25(1), 69-83.

Wyszomirski, M. J & Chang, W (2018). Developing Schematics and Models to Understand the Ecology of Creative Sector. *Arts Management Research (예술경영연구)*, 45, 5-37.

Zapata-Barrero, R (2016). Diversity and cultural policy: cultural citizenship as a tool for inclusion. *International Journal of Cultural Policy*, 22(4), 534-552.

Zembylas, T (2018). Why Are Evaluations in the Field of Cultural Policy (Almost Always) Contested? Major Problems, Frictions, and Challenges. In *Arts and Cultural Management* (pp. 161-183). Routledge.